

ارائه شده توسط

لینگو لرن | Lingo Learn

برترین ارائه دهنده خدمات کمک آموزشی کانون زبان شامل: سوال و
سامری، دیکشنری کانون، آموزش های رایگان و کاربردی و...

 LingoLearn_official

 LingoLearn

{هرگونه کپی برداری بدون ذکر نام صاحب اثر شرعا و قانونا حرام و قابل پیگیری می باشد.}

High 2

Unit 1

Two candidates are running for mayor of a large city. Read their statements from their campaign fliers.

دو کاندید نامزد انتخابات برای شهردار یک شهر بزرگ شده اند. بیانات آنها را در اعلامیه های تبلیغاتی شان بخوانید.

Candidate for Mayor:

نامزد شهرداری:

DANIEL BAKER

دنیل بیکر

Party: Democrat

حزب: دموکرات

Occupation: Mayor

شغل: شهردار

Background: City Clerk, State Assemblyman, attorney

سوابق: کارمند شهرداری، نماینده مجلس ایالتی، وکیل

Education: Yale Law School ,LL.B; Howard University, B.s. cum laude

تحصیلات: کارشناسی حقوق از مدرسه حقوق یل؛ لیسانس از دانشگاه هوارد با رتبه ممتاز

Four years ago, I promised to create a government that you could count on.

چهار سال پیش، من قول دادم دولتی را بسازم که بتوانید رویش حساب کنید.

Today, after four years as mayor of this great city, I am proud to say that we have come a long way. But the job is not finished.

امروز، بعد از چهار سال شهردار بعنوان شهردار این شهر بزرگ، مفتخرم که بگویم ما راه طولانی ای را طی کرده ایم. اما کار تمام نشده است.

If I am reelected, we will finish the work we started years ago.

اگر من باز هم انتخاب شوم، کاری را که چهار سال پیش شروع کردیم، تمام خواهیم کرد.

My first priority is education, In the next ten years, there will be millions of new jobs in this country.

اولین اولویت من آموزش و پرورش است. در ده سال آینده، میلیون ها شغل جدید در این کشور وجود خواهد داشت.

Many of those jobs could be filled by citizens of our city if we prepare them.

اگرما شهروندان شهرمان را آماده کنیم، بسیاری از ان شغل ها میتواند توسط آنان به عهده گرفته شود.

But they won't be ready unless we improve our school system now.

اما تا وقتی سیستم آموزشی مان را بهبود نبخشیم، آنها آماده نخواهند بود.

My second priority is housing. It won't do any good to provide jobs if people continue to live in bad conditions.

دومین اولویت من مسکن است. اگر مردم به زندگی در شرایط بد ادامه دهند؛ ایجاد مشاغل، کاری را از پیش نمیبرد.

We must rebuild housing in our in our city neighborhoods. My opponent talks about a “war on crime”.

ما باید مساکن رادر محله های شهر بازسازی کنیم. رقیب من راجب "جنگ علیه جنایت" صحبت میکند.

I agree that violent crimes is a problem. But we’re not going to solve the social problems in this city unless we house people better.

موافقم که جرم و جنایت خشونت بار یک مشکل است ولی تا وقتی به مردم اسکان بهتری ندهیم، مشکلات اجتماعی این شهر را نمیتوانیم حل کنیم.

If our city offers an educated work force, business will thrive here. This will provide more money to rebuild housing.

اگر شهر ما نیروی کار تحصیل کرده عرضه کند، کسب وکار در اینجا پیشرفت میکند. این (پیشرفت کسب وکار) پول بیشتری برای بازسازی مسکن فراهم میکند.

If our citizens have decent homes, then our neighborhoods will become healthy again. These problems won’t go away quickly.

اگر شهروندان ما خانه هایی مناسب داشته باشند، سپس محله هایمان دوباره سالم خواهند شد. این مشکلات سریع از بین نخواهند رفت.

But if we work together, we will solve them. I urge everyone to get out and vote on election day . Unless you vote, you will not have a say in the future of our great city.

ولی اگر با یکدیگر کارکنیم، آنها را حل خواهیم کرد. من از همه خواستارم در روزانتخابات بیرون بیایند و رای دهند. شما در آینده شهر بزرگمان دخالتی نخواهید داشت، مگر اینکه

رای بدهید.

Mayor Candidate:

کاندیدای شهرداری:

GABRIELA SOTO

گابریلا سوتو

Party: Republican

حزب: جمهوری خواه

Occupation: City Comptroller

شغل: مدیر امور مالی شهر

Background: District Attorney, Lawyer

سوابق: دادستان منطقه ای، وکیل

Education: U.C.L.A. Law School, LL.B; U.S.C, B.A.

تحصیلات: لیسانس حقوق از مدرسه ی حقوق دانشگاه یو سی ال ای، لیسانس از دانشگاه یو اس سی

Today, street crime has made people afraid to leave their homes. If I am elected, I will give neighborhoods back to their citizens.

امروز، جنایت های خیابانی باعث شده بسیاری از مردم هراس داشته باشند که خانه اشان را ترک کنند. اگر من انتخاب شوم، محله هارا به اهالی آن، بازخواهم گرداند.

A lot of this violence is being committed by young offenders.

بسیاری از این خلاف ها توسط خلافکارهای جوان ارتکاب میشود.

My administration will say to them: If you want to stay out of trouble, we will help you do that. But if you do the crime, you'll do time.

دولت من به آنها خواهد گفت: اگر میخواهید از دردسر دور بمانید، برای انجامش بهتون کمک میکنیم. اما اگر مرتکب جرمی بشین، زندانی خواهید شد.

If you commit a violent crime, you will go to jail and serve your full sentence.

ولی اگر مرتکب خلافی بشین، به زندان خواهید رفت و تمام حکم مجازاتتونو رو در زندان به سر خواهید برد.

If I become your mayor, I will put more police on the streets and set up a cooperative program between police and communities.

اگر من شهردار شما شوم، پلیس بیشتری در خیابان ها قرار خواهم داد و برنامه ی همکاری بین پلیس و اهالی راه اندازی خواهم کرد.

Together we will fight for every street and every house, and together we will win. This will be my first priority if I am elected.

با یکدیگر برای هر خیابان و هر خانه خواهیم جنگید و باهم پیروز خواهیم شد. اگر انتخاب شوم، این اولین اولویت من خواهد بود.

But our young people won't avoid crime unless they have hope for

their futures. That's why my second priority as mayor will be to bring businesses back to our city.

اما جوانان ما از خلاف و جرم دوری نخواهند کرد مگر اینکه امیدی برای آینده شان داشته باشند. به همین دلیل است که دومین اولویت من بعنوان شهردار، آوردن کسب و کار به شهرمان خواهد بود.

My opponent raised taxes as soon as he took office four years ago. As a result, many businesses left town. If we lower taxes, they will return.

رقیب من چهار سال پیش به محض اینکه سرکار آمد، مالیات ها را بالا برد. در نتیجه، بسیاری از کسب و کارها شهر را ترک کردند. اگر مالیات ها را پایین بیاوریم، آنها باز خواهند گشت.

If businesses return, our youth will have the hope of finding jobs. And if they have hope, they will not turn to a life of crime.

اگر کسب و کارها بازگردند، جوانانمان به پیدا کردن شغل امید خواهند داشت. و اگر آنها امید داشته باشند، به زندگی مجرمانه روی نخواهند آورد.

I urge you to vote for me next Tuesday. If I am elected, we'll hang out a sign: "open for business again."

از شما میخواهم سه شنبه آینده به من رای بدهید. اگر من انتخاب شوم، ما تابلوی "دوباره ورود کسب و کارها آزاد است" برافراشته خواهیم کرد.

New Words

Candidate: a person, esp. a politician, who seeks to be elected or appointed to a certain position.

Synonymous: aspirant

نامزد، کاندیدا

Run (for)

کاندیدای انتخابات شدن، نامزد انتخابات بودن

Mayor: the chief official of a village, town, or city.

شهردار

Campaign: a military operation organized to achieve specific objectives.

Synonymous: operation

مبارزه انتخاباتی، سفر، لشکر کشی، یک رشته عملیات جنگی، مسافرت در داخل کشور

Flier: a printed sheet to be handed out or mailed for advertising or publicity; handbill.

اگهی روی کاغذ کوچک، پروانه موتور، پره آسیاب، گردونه تیزرو

Party: a social gathering or event created for the purpose of celebration or pleasure and at which there is conversation, refreshment, and, usually, music or some other form of entertainment.

Synonymous: get-together, jamboree, revel

طرفدار، فرقه، قسمت، جمعیت، دسته، مهمانی

Democrat: طرفدار اصول حکومت ملی، عضو حزب دموکرات

Occupation: a person's normal way of earning a livelihood; profession.

Synonymous: business

سرگرمی، حرفه، اشتغال، اشغال، تصرف، شغل

Background: the sum of a person's experience, education, and origins, esp. as they relate to his present character or situation.

Synonymous: breeding, credentials, education, experience

ریشه، سابقه، زمینه

Clerk: one who performs general office work such as filing, copying or preparing documents, and finding information.

Synonymous : aide, amanuensis, assistant

منشی، دفتردار، کارمند دفتری

State: ایالت

Assemblyman: a male member of a legislative assembly.

عضو مجلس قانونگذاری، عضو انجمن، عضو مجلس

Attorney: one whose profession is to give legal advice and to act as a representative in court during legal proceedings; lawyer; attorney-at-law.

Synonymous: attorney-at-law, counsel, counselor, lawyer

وکالت، وکیل مدافع، نمایندگی، وکیل

لیسانس حقوق LL.B.

لیسانس B.S.

Cum laude با رتبه ممتاز

Government: the direction and control exercised politically over people living in a community, state, or nation.

The specific system by which a community, state, or nation is governed.

Synonymous: administration, governance, management

حکومت، صلاح‌دید، دولت، فرمانداری، طرز حکومت هیئت دولت

Count on: to depend or rely on.

Synonymous: depend on, rely on, trust in

روی کسی (یا چیزی) حساب کردن

Reelect: to be chosen again by means of voting; to elect again.

تجدید انتخاب کردن، دوباره گزیدن

Elect: to select through the process of voting.

Synonymous: vote

opposed: abjure

منتخب، برگزیده منتخب، ممتاز، خاصگی، خاص، برگزیدن، انتخاب کردن، رای دادن

Priority: precedence, esp. because of authority, right, or urgent need.

Synonymous: precedence , primacy

برتری، تقدم، پیشی، تفاضل، اولویت، حق تقدم

Education: the knowledge acquired through a learning process. the act or process of learning or educating

Synonymous: knowledge, learning, schooling

opposed: ignorance

آموزش، آموزش و پرورش

Fill: to cause to become full; put as much as possible into.

opposed: empty, hollow

Synonymous: brim, cram, crowd, glut

انباشتن، باد کردن، بار کردن، سیر کردن، پر کردن، پر شد، منصوب کردن یا شدن، گماشتن

Citizen: a person belonging by birth or naturalization to a political and geographic entity, esp. a nation. (Cf. alien).

opposed: alien

Synonymous : inhabitant, native, subject

تابع، رعیت، شهروند، تبعه یک کشور

Prepare: to make ready.

Synonymous: prime, ready, arrange

مجهز کردن، آماده کردن، ساختن، تعبیه کردن، مستعد کردن، فراهم نمودن، مهیا ساختن، آماده شدن، تدارک دیدن

Improve: to increase the quality or condition of; make better.

Synonymous: ameliorate, amend, better, enhance, enrich, meliorate

opposed: deteriorate, hurt, impair, spoil, worsen

اصلاح کردن، بهتر کردن، بهبودی یافتن، تکمیل کردن، پیشرفت کردن، بهبودی دادن

Housing: a shelter or dwelling; lodging. the act of providing shelter.

Synonymous: abode, dwelling, shelter

مسکن، غلاف، خانه سازی، خانه ها، خانه و مسکن، جای زندگی

Provide: to supply (necessary things); furnish.

Synonymous: furnish, purvey, serve, supply

opposed: deprive, refuse, withhold

تهیه کردن، مقرر داشتن، مجهز کردن، آماده کردن، وسیله فراهم کردن، تدارک دید

Rebuild: to build again; repair.

opposed: demolish, ruin

Synonymous: repair

چیز دو باره ساخته شده، باز ساختن، دوباره ساختمان کردن

Neighborhood: the area or district near some place or thing, or a local area that has distinguishing characteristics. the people collectively who live in such an area.

Synonymous: block, locality, precinct, quarter, region

مجاورت، همسایگی، محله

Opponent: one who opposes; antagonist; foe.

Synonymous: adversary, antagonist, foe

opposed: adherent, advocate, ally

حریف، خصم، عدو، ضد، منازع، طرف مقابل

Crime: an act that violates the law of a state, nation, or other entity, and that endangers the public welfare in some way.

Synonymous: felony, offense

گناه، جرم، جنایت، بزه، تبه کاری، تقصیر

Violent: acting with extreme force or hostility.

Synonymous: berserk, brutal, ferocious, savage, uncontrollable, wild

opposed: gentle

خشونت آمیز، سخت، قوی

Social: of or pertaining to human beings living as part of a group or community. living in groups or communities instead of alone.

Synonymous: communal

opposed: individual

معاشرتی، اجتماعی، جمعیت دوست، دسته جمعی، تفریحی، انسی، وابسته بجامعه،
وابسته به اجتماع

Offer: to present for acceptance or refusal.

Synonymous: proffer, submit, tender

عرضه، ارائه، پیشکش، پیشنهاد، تقدیم، عرضه کردن

Educated: having an education.

opposed: ignorant, unlettered, untutored

تحصیل کرده، فرهیخته، تحصیل شده

Work force: the total number of workers who are actively employed in a business, industry, or nation, or who are available for employment; labor force.

نیروی کار، شمار کارگران، نیروی کار، تعداد کارگر

Business: an occupation or trade.

Synonymous: calling, career, employment, job

حرفه، داد و ستد، تجارت، بنگاه، کار و کسب، کاسبی

Decent: conforming to social standards, as for morality, modesty, good taste, or the like; not obscene or offensive.

Synonymous: appropriate, decorous, fitting, modest, proper, suitable

opposed: dirty, improper, indecent, loose

درخور، شایسته، مناسب، نجیبانه

Urge: to push or drive forward or onward.

Synonymous: drive , push

خواستار شدن، انگیزش، مناسبت، اصرار کردن، ابرام کردن

Vote: a formal expression of preference in an election or decision.

opposed: abstention

Synonymous: poll

رای، دعا، اخذ رای، رای دادن، فعالیت انتخاباتی کردن

Republican: one who favors a republican form of government. having the nature or characteristics of a republic.

حزب جمهوریخواه، اجتماعی، جمهوری، گروهی، جمهوری خواه

Comptroller: variant of controller.

بازرس حسابداری

Distric: محله، بخش، بلوک، ناحیه، حوزه

Attorney: one whose profession is to give legal advice and to act as a representative in court during legal proceedings; lawyer; attorney-at-law.
opposed: attorney-at-law, counsel, counselor, lawyer

وکالت، وکیل مدافع، نمایندگی، وکیل

B.A.: لیسانس

U.S.C.: ایالات متحده

Commit: to dedicate, devote, or pledge.

opposed: pledge, plight

سپردن، مرتکب شدن، اعزام داشتن برای

Offender: one that offends; especially one who has broken a law.

متجاوز، متخلف، خلافکار

Administration: the act of directing or managing. those in charge of directing or managing, considered collectively
opposed: management, supervision

اجرا، حکومت، سیاست، وصایت، اداره کل

Serve :

بکار رفتن، بدرد خوردن، خوراک دادن، خدمت کردن، پیشخدمتی کردن، زندانی بودن، در زندان گذراندن

Set up: بالیدن، بر پا کردن، نصب کردن، وا گذاشتن

Cooperative: willing to work or operate together; willing to do what is asked

of one for the sake of a common goal.

opposed: defiant, factious, perverse, truculent, uncooperative

همکاری

Community: a well-defined area, such as a town or area of a town, where people live together under one government.

اجتماع، انجمن، عوام، عموم

Avoid: to keep away from or keep from happening, esp. by active effort.

Synonymous: escape, evade

opposed: confront, face, face up to, meet, pursue

اجتناب کردن، دوری کردن از، طفره رفتن، طفره رفتن از

Tax a sum of money levied by government on income, property, or sales and used for its services and administration.

Synonymous: levy

مالیات

@LingoLearn